



ورزش اردبیل

سازمان اداره ارشاد اسلامی شهرداری اردبیل

سال سوم شماره ۷۸

شنبه ۱۶ بهمن، ماه سال ۱۳۹۵

جلدی اول - ۱۴۳۸ - ۲ فوریه ۱۴۱۷

قسط

NOL3-NO28-4FEB-2017

بهاران خجسته باد بدبیاری های فوتبال اردبیل پایانی ندارد



رواج اهانت و بدگویی

فضول باشی ورزش، شهرداری اردبیل
و شور و نشاط اجتماعی

فداکاری، درس و.... قشکر

وحدت و همدلی
نیاز فوتبال اردبیل

توب های ورزشی بتا BETA SPORT BALLS

تولیدکننده بهترین توب های
والیبال چرم با آخرین
استانداردهای روز دنیا

BETA[®]
BELIEVE POWER

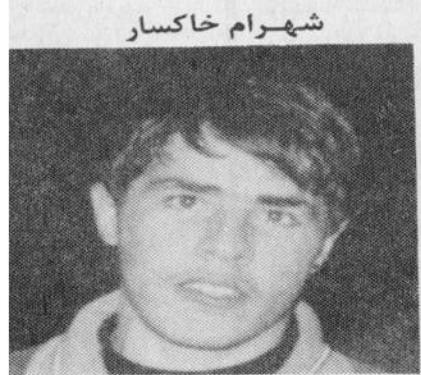


بزرگترین تولیدکننده انواع توب های ورزشی
چرمی و لاستیکی استاندارد در ایران

www.betasport.ir

نگاهی کوتاه به کشتی فرنگی اردبیل در سال ۸۰

نمی تواند خارج از لطف باشد.
در فروردین ماه سال ۱۳۸۰ از سوی کمیته فنی تیم های ملی کشتی ازاد و فرنگی برای گزینش نفرات برتر جهت حضور در رقابت



شهرام حاکسار

دوستداران کشتی در اردبیل از حال نزار این رشته ناراحت هستند و دلگیر. کسانی که دوران اوج و شکوفایی کشتی



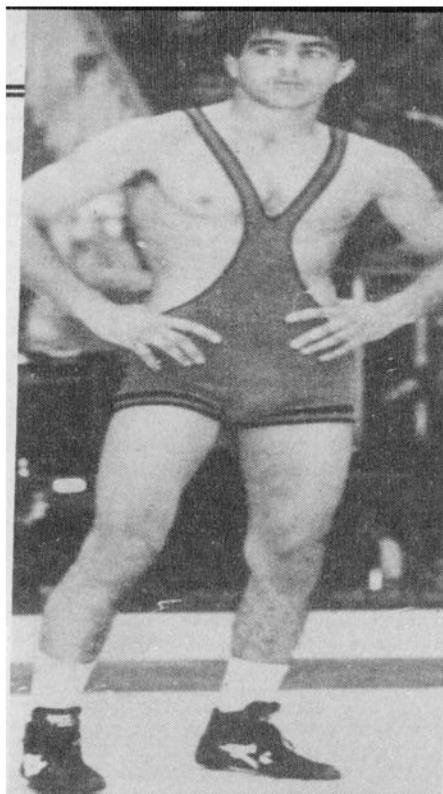
علی اشکانی

های جام جهانی و قهرمانی آسیا، تعدادی از کشتی گیران به اردوهای تیم ملی دعوت شدند. در رشته فرنگی و در اوزان مختلف افراد زیر از اردبیل به اردو دعوت شدند.

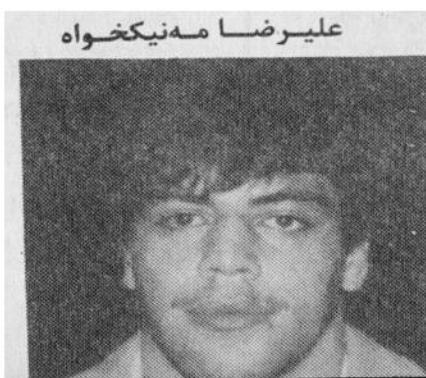
کیلوگرم: علی اشکانی ۶۳ کیلوگرم: ۵۸ کیلوگرم: شهرام حاکسار ۶۹ کیلوگرم: حسن پازاج ۷۵ کیلوگرم: مهدی هژیری و ۸۵ کیلوگرم:

علی رضا نیکخوا

این تعداد را با دعوت شدگان این روزها مقایسه کنید تا بدانید که برخی آقایان پرمدعا و خود محور در ده سال اخیر چه به روز کشتی اردبیل که نیاورند.



فرنگی اردبیل را شاهد بوده اند از این که در این روزها کوچک ترین رد پایی از آن دوران دیده نمی شود احساس دلتگی می کنند. بازگشت به دوران گذشته و احیای دوباره این رشته کار یک یا دو روز نیست. سرمایه



علیرضا منیکخواه

گذاری بر روی پایه ها سال ها طول خواهد کشید تا اثرات مثبت خود را با بروز چهره های جویای نام نشان بدهد. اگر امروز شاهد بر آن هستیم که حرکتی برای استعداد یابی و تحت پوشش قرار دادن افراد مستعد انجام پذیرفته است، نباید انتظار داشته باشیم که همین فردا نتایج آن را شاهد باشیم. این کار بدون شک به زمان نیاز دارد و اگر کارها اصولی و روی برنامه انجام بگیرد امیدواریم که کشتی اردبیل در آینده ای نزدیک به آنچه که استحقاقش را دارد دست پیدا بکند. ذکر خاطره ای از گذشته ای نه چندان دور که کشتی فرنگی اردبیل با چهره های جوان و مستعدش قطبی بزرگ در سطح کشور بود

بهاران خجسته باد

ایام الله دهه فجر یادآور ایثار، گذشت، فدایکاری، غیرت، حمیت و بزرگواری ملت بزرگ ایران است. این روزها در سراسر کشور جشن پیروزی بر قرار است. پس از گذشت سال ها از پیروزی، انقلاب اسلامی همچنان در جوش و خروش است و در مسیر تحقق آرمان ها و شعارهای خود حرکت می کند. انقلاب اصالت راه و رسم خود را حفظ کرده و دشمنی های بی وقفه و توطئه ها و مانع تراشی ها و ... نتوانسته اند آن را قدمی و وجی به عقب نشینی و ادار سازند.

انقلاب اسلامی ایران به لطف توجهات حضرت حق، هشیاری و درایت رهبر معظم انقلاب و آگاهی و قدرت تشخیص مردم ایران، علی رغم همه مشکلات داخلی و خارجی و همه نارفیقی ها و ناملایمات، ضمن دفع و خنثی نمودن توطئه ها، با قدرت و صلابت به سوی تحقق آرمان های خود در همه عرصه ها و ابعاد گام برمی دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ورزش کشور در مسیری تازه ای از دوران حیات خود قرار گرفت. ورزش در تحقق آرمان های انقلاب و در راستای اهداف آن حرکت کرد. ورزش مورد عنایت و توجه خاص مسؤولین قرار گرفت و همراه با دیگر بخش ها فصلی جدید در پیشرفت و توسعه آن گشوده شد. نگاه ویژه و خاص انقلاب و مسؤولین کشور به ورزش، پیشرفت همه جانبی آن در بخش سخت افزاری و نرم افزاری را فراهم کرد.

امروز ورزش در نظر مسؤولین انقلاب و کشور از یک جایگاه خاصی بهره می برد و این امر بر هیچکس پوشیده نبوده و نیست. ورزش استان در سایه انقلاب با یک جهش مواجه شده است. سرمایه ورزش این منطقه در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اندک و ناچیز و درآور و خجالت آور بوده است. این منطقه از کم ترین امکانات برخوردار بود و ورزشکارانش در گمنامی و بی توجهی خاص روزگار می گذرانندند.

با پیروزی انقلاب و بخصوص بعد از استان شدن منطقه، انقلابی در ورزش این استان به وجود آمد. در حال حاضر برخی از شهرهای منطقه از نظر برخورداری از فضا ها و امکانات ورزشی از سرانه بسیار مطلوب و نزدیک به استاندارد های جهانی بهره مند می باشند. در دورافتاده ترین نقاط استان و در سطح روستاهای ورزشی احداث و در اختیار جوانان و ورزشکاران قرار گرفته است و جوانان و ورزشکاران آن عرصه ای برای بروز استعداد ها و توانایی های خود به دست آورده و در رقابت های مختلف جهانی و بین المللی با درخشش خود برای ایران اسلامی و استان افتخار آفرینی کرده اند.

سال روز انقلاب اسلامی ایران را بر تمام دولتمردان، مسؤولان صادق و تلاشگر و مردم فهیم استان و جوانان و ورزشکاران منطقه تبریک گفته از خداوند متعال سریاندی نظام، سلامتی مقام معظم رهبری و موقوفیت ورزشکاران و جوانان لایق و سزاوار استان اردبیل را مسئلت می نماییم.

فضول باشی ورزش، شهردار اردبیل و شور و نشاط اجتماعی

پنجشنبه شب فضول باشی زنگ زد. تا گوشی را برداشت و صدایم را شنید گفت خوشحالم، خیلی هم خوشحالم، در پوست خود نمی گنجم، در آسمان ها پرواز می کنم، بال درآورده ام، نمی توانم شادی خود را پنهان بکنم، زنگ زدم تا تو را نیز در شادی خود شریک بکنم.

گفتم: بگو دیگه چه شده، خوشحالی تو حتما دلیل و علت خاصی دارد. فضول باشی ورزش اردبیل و خوشحالی؟ عجب اتفاقی، نکنه معجزه ای رخ داده است؟ تو که در روزهای گذشته حوصله هیچ کاری را نداشتی و به تلفن ها جواب نمی دادی، حال خودت زنگ می زنی و خبر از شادی و سرور می دهی، بگو تا ما هم بخندیم، به جان تو دعاگو باشیم و برای لحظاتی هم که شده باشد غم و غصه هایمان را فراموش بکنیم.

گفت: بالاتر از معجزه رخ داده است. باید شور و نشاط داشته باشی. باید حرف مسؤولان را گوش بکنی و از گفتارهای آنها پند بگیری. به تو سفارش می کنم تا دیر نشده کاری بکن و از شهردار اردبیل حلالیت به طلب. اگر حلالت نکرد باید التماس بکنی و دست و پایش را بوسه باران بکنی در ارتباط با اعضای شورای شهر و رئیس شورا نیز باید چنین بکنی. حواست را جمع کن و زمان را از دست نده، همین فردا کار را یکسره کن، برو دریاچه شورابیل، جمع آنها در آنجا جمع خواهد بود.

گفتم فضول باشی چرا روده درازی می کنی؟ من را چه به شهردار و رئیس شورا؟ آنها قدر قدرتند و صاحب جلال و جبروت. زیارت کردن آنها برای من بی مقدار، مشاهده خورشید در دل شب است. این گونه توفیق ها نصیب مانمی شود. دسترسی به آنها مال از ما بهتران است حال حرفت را بگو و تمام کن این قضیه را.

گفت مگر نشنیدی آقای شهردار محترم گفته است که شهرداری جشنواره آدم برفی را به دلیل ایجاد شور و نشاط در جامعه برگزار می کند. شما خبرنگاران چقدر آدم های نامردی هستید که مدام می گفتید شورا و شهردار با عدم حمایت از تیم فوتبال، شور و نشاط را از جامعه گرفتند. دیدید شما معنی و مفهوم شور و نشاط را نمی فهمید. شما سطحی نگ هستید. بروید شور و نشاط و چگونگی ایجاد و راه اندازی آن را از شهردار و شورا یاد بگیرید. فوتبال هم شد عامل شور و نشاط؟ عجب آدم های مغرض و بی هدفی هستید. شما در شش ماه گذشته همه را سر کار گذاشته و حرف های بی ربط زدید و چسبیدید به شور و نشاط فوتبالی، قربان شهردار برم که جواب شما را داد و شور و نشاط اجتماعی را با راه اندازی یک روزه جشنواره برای شما تعریف کرد تا حداقل از کرده های خود پشیمان بشوید. شمارا چه به شور و نشاط فوتبالی، خفه خون بگیرید و بعد از این از شور و نشاط حرف نزنید. ماندم به این فضول باشی چه بگویم، برای لحظاتی سکوت در تلفن بین ما حاکم شد و او در ادامه گفت قربان شهردار و مشاورانش برم که شما را مجبور به سکوت کردند.

رواج اهانت و بدگویی

متاسفانه گسترش روزافزون کانال ها و گروه های ورزشی در فضای مجازی، استفاده از ادبیات خارج از نزاکت و اظهارات توهین آمیز را به یکی از مضلات رفتاری و نا به هنجاری های فرهنگی ورزش تبدیل گرده است.

برخی اوقات این گونه اظهار نظر ها و نزاکتی ها به شکلی حادتر و صریح تر از طرف برخی ها که ادعای بزرگی داشته و به گذشته خود و ورزشکار بودنش افتخار کرده و تکیه می کنند، بیشتر دیده می شود.

برخوردهای حرمت شکنانه و اظهارات توهین آمیز و به کار بردن ادبیات خارج از نزاکت و ادب ورزشی از سوی آنها بی که خود را لایق همه خوبی ها می دانند، بسیار دردآور و ناراحت کننده می شود. کسی که قدرت کنترل بر رفتار و کردار خود نداشته باشد وظیفه پیشکسوتان واقعی و آنها بی که در ورزش و فوتبال امتحان خود را پس داده اند، چیست؟ در مقابل افرادی که نمی توانند خود را کنترل بکنند و کسانی که با استفاده از جمعی مزدور در اندیشه حرمت شکنی هستند چه باید بکنند؟ در این موارد باید بدون رودرایستی حقایق بازگو شود و امکان عرض اندام و یکه تازی به این قبیل افراد در فضای مجازی و کانال ها و گروه ها داده نشود.

برخورد با ناهنجاری ها در دنیای فوتبال وظیفه همه کسانی است که در این عرصه متحمل زحمات طاقت فرسایی شده اند. از چنین بزرگانی انتظار می رود به هر وسیله ممکن مانع از ادامه حرکت های نسجیده این قبیل افراد بشوند. این بزرگان به مصدق "حرمت مسجد با متولی است" باید در جهت حفظ حرمت ورزش و اهالی ورزش، خود آستین همت را بالا بزنند و در برخورد با بدگویی ها و حرف های خارج از نزاکت با گفتن «حالا فلاحتی یک چیزی گفت» از کنار ماجرا سرسری نگذرند و حداکثر به نصیحت و پند و اندرز اکتفا نکنند. باید فضا را از دست چنین افراد یاوه گو، فرصت طلب، دست نشانده و منفعت طلب گرفت تا آنها نتوانند به رفتار ناشایست خود ادامه بدهند.

کارنامه این قبیل افراد در پیش همه ورزشی ها و فوتبالی های استان آشکار بوده و مشخص است. گفته ها و سخن ها و سینه چاک کردن آنها نه برای فوتبال بلکه به خاطر به دست آوردن موقعیتی در این عرصه است. آنها جایی که منافعشان تامین شود قیافه حق به جانبی مبنی بر طرفداری از فوتبال می گیرند و زمانی که خطر را احساس کرده و نقشه هایشان را بر آب می بینند، ادای دین به فوتبال را فراموش کرده ، به آن پشت می کند و فرار را برقرار ترجیح می دهن.

در کنار این افراد قشر دیگری هستند که دست نشانده اند و از خود تفکری نداشته و برای اجرای اوامر دیگران واسطه ای هستند که همه چیز را فدای پست و مقام می دانند. آنها بی که برای بستن دهان منتقدین حرمت شکنی را در دستور کار خود قرار می دهند و با بیان هر حرف حق از طرف دلسوزان ورزش

بدبیاری های فوتبال اردبیل پایانی ندارد



مشغول بودند و مسلمًا بدون کار و برنامه ریزی اصولی نمی توان موفقیت را شاهد شد.

هر که دانه نفشناند به زمستان در خاک

نامیدی بود از دخل به تابستانش نمی دانم شاید روزی فرا بررسد که ناگفتی های این تیم توسط آنهایی که در جریان کامل آن بوده اند به اطلاع افکار عمومی رسانده شود و نقش افراد و دست های پشت پرده با ذکر نام آنها اعلام گردد تا بدینوسیله قدرمندانه توانا، کلارآمد و تاثیر گذار فوتبال اردبیل به جامعه شناسانده شوند.

مردم باید بعد از روشن شدن واقعیت ها قدر آن بزرگواران را بدانند و برای سلامتی شان هورا بکشند.

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که در آن غش باشد

از همان اول فصل انجام ندادند و فقط در هفته های اخیر به فکر افتادند؟ آیا در این کار و معرفی برخی ها به عنوان منجی فوتبال اردبیل و قهرمان بی رقیب مدیریت در فوتبال برنامه ریزی شده بود؟ راستی اداره کل ورزش در این میان چه کاره بوده و هست؟ آیا نمی توانست کمکی به خروج از بن بست بکند؟

هنوز امیدها برای ماندن این تیم در دسته دوم از بین نرفته است. کم رنگ شده است ولی کاملاً نمی توان قطع امید کرد. می توان کاری کرد به شرط آنکه همه اقدامات با صداقت و به دور از هرگونه انحصار طلبی و خودنمایی باشد.

آنها بی که در مقاطع مختلف در شروع فصل شعار دادند و عده کردند، خود بهتر از همه می دانستند که وعده هایشان نمی تواند عملی بشود. چرا که برای تیم کار اصولی انجام نشده بود. چرا که دهها دایه مهریان ترا از مادر در کنار خود احساس می کرد . چرا که دست های پشت پرده به کار خود

همچنان برای این تیم تصمیم می گیرند چه کسانی هستند؟ چرا اماکن واگذاری تیم به بخش خصوصی علی رغم تاکید شهردار و شورای شهر به طور کامل و قانونی و رسمی فراهم نشد؟ چرا هر کسی که برای تحويل گرفتن تیم قدم پیش گذاشت بعد از اندک مدتی فرار را برقرار ترجیح داد؟ الان تیم در اختیار چه کسی و کدام

ارگان و نهاد است و هزینه هایش چگونه و از کدام کانال قانونی تامین می شود؟ کلاف سردرگم در ارتباط با این تیم بیچاره و بدین و درمانه کی باز خواهد شد؟ جریان رفت و برگشت ها در تیم چیست و چه کس و یا چه کسانی در این مورد تصمیم گیرنده بوده اند؟ نقش شهرداری و عوامل آن در ادره این بچه سرراهی چه می باشد؟ اگر بگویند که شهرداری بر حکم وظیفه که مجبور است به درمانده ها سرپناه بدهد و جنازه های بی صاحب را تا مرحله دفن سرپرستی نماید، به حمایت از تیم ادامه می دهد پس چرا این کار را راستی دست های پشت پرده ای که

حکایت بدبیاری نماینده فوتبال اردبیل در لیگ دسته دوم باشگاههای ایران هم دارد دنباله دار می شود. ناکامی پشت ناکامی، هنوز از یک مصیبتی رهایی نیافته بلایی دیگر گریبانش را می گیرد و به سوی سقوط و هلاکت رهمنویش می کند.

از زمان برکناری حجت الاسلام میر عباس زاده از مسؤولیت سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری ، تیم در مجموع روزهای خوبی را تجربه نکرده است. صعود به لیگ دسته یک نیز حاصل نزنایم، دور اندیشه، تلاش و موقعیت شناسی آن مرد بزرگوار بود. این تیم از آن زمان تاکنون اسیر نبود برنامه، روزمرگی و تصمیمات احسانی بوده و نتیجه این حرکات و رفتارها به هلاکت و سرافکنندگی فوتبال اردبیل و تیم ریشه داری چون شهرداری منجر شده است.

به راستی که این تیم روزگار بدی را پشت سر می گذارد. اوج بدینختی آن از مرداد ماه امسال آغاز شد. موقعی که شوراییان پاهایشان را در یک کفش کردند و گفتند تیم باید به بخش خصوصی واگذار گردد. امید بود که در این برهه، شهردار اردبیل به دفاع از تیم برخیزد و حداقل نظر دوستانش را در شورا نسبت به حفظ تیم در مجموعه شهرداری جلب نماید، ولی چه باید کرد شهردار نیز با موضعگیری و تصمیماتش و به خصوص بعد از جریانات آبی پوشان نشان داد که در اصل او نیز با تصمیم شوراییان همراهی می کند و از همان وقت بدینختی ها و بدبیاری این تیم شروع شد و تا به امروز که در ورزشگاه علی دائی و در سرمای طاقت فرسای اردبیل بازی را یک بر صفر به حریف تهرانی باخت، ادامه یافت. راستی دست های پشت پرده ای که

حکایت محمد شاه قاجار و نقد های ورزشی

می گویند محمد شاه ، نوه بیمار فتحعلی شاه قاجار ، وقتی به سلطنت رسید و نامردی کرد و قائم مقام را بر خلاف سوگندی که خورده بود و عهدی که با نائب السلطنه ، پدرش بسته بود کشت ، به خیال آن افتاد که همچون فتحعلی شاه(خاقان) شعر بگوید و گوی سبقت از قائم مقام در نظر برباید.

جانم راست بگوید که او معلم ها گرفت و مشق ها نوشته، بعضی روزها جارچی ها فریاد می زدند «اعلیحضرت قوروق فرمودند» و در این میان همگان باید ساكت می شدند . چرا که وی میل غزل داشته است. اگر چه از تمام این قوروق های گاه و بی گاه غزلى برادریات این ملک افزووده نشد ولی هنوز مایه عبرت نشده و این حکایت بعضی آقایان است که هر از چندی قوروق می فرمایند و از قوروق شکنی و هر گونه انتقادی که حتی در چارچوبی سالم و آگاهانه باشد بیزار می شوند.مانده ایم که چه بکنیم، هر حرفی می زنیم و هر واقعیتی را که مورد بحث قرار می دهیم، گلایه و عکس العمل عده ای را به دنبال دارد. خیلی ها بر این باورند که مجبوریم و باید مثل آنها فکر بکنیم و در راستای نظر و عقیده آنها حرکت نماییم. تازمانی که گفته ها و حرفها و رفتارهای آنها مورد تایید باشد، نویسنده ای تواند تحلیلگری قهار، پیشکسوتی صاحب اعتبار، بزرگی دارای جایگاه رفیع، صاحب نظری مقتدر و خبرنگاری نترس و بی طرف قلمداد می شویم و اگر نوشه ای در خلاف جهت رای حضرات داشته باشیم به افرادی ترسو، معرض، دست نشانده، خود فروخته، خائن به ورزش، مزدور، غیر ورزشی، باندبار، عامل تفرقه، نوچه پرور و ... تبدیل می شویم.

خلاصه آقایان می خواهند شب ها و روزهای ما را قوروق کنند و ما اجازه حرف زدن، نوشن ، گفتن و تحلیل کردن نداشته باشیم. مگر این که به دست بوسی آقایان و فرماندهانشان نائل شده و غلام حلقه به گوش آنها و دست نشانده آنها به شویم.

برای ما افتخار خواهد بود که این چنین افراد فرصت طلب و مقام پرست و موقعیت طلب بر علیه ما باشند و هر روز برای ما نقشه ای تازه و نو بکشند و تحت فشارمن فوار بدھند، چرا که ما را برای شریک جرم کردنشان هیچ امیدی نداشته و نخواهند داشت. ما راه خود را می روییم و مشت کسانی را که بخواهند منافع ورزش را فدای منافع شخصی بکنند، باز خواهیم کرد و در این راه از اتهاماتی چون نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و یا تهدید به شکایت و یا تشویق کردن دیگران به شکایت و این قبیل موارد باکی نخواهیم داشت.

فداکاری، درس و ... تشکر

چقدر در این فوتbal زوار در رفته ما فداکاری رخ می دهد..چقدر در این فوتbal همه فداکارند، چقدر در این فوتbal ما درس نهفته است... چقدر در این فوتbal ما همه درس می دهنند و مدرس هستند و چقدر در این فوتbal درس می گیریم و به اندوخته های خود اضافه می کنیم، خوشاب حال ما وای به حال آنها بی که نه در ورزش و نه در فوتbalشان فداکاری هست و نه این همه درس ریخته فراوان و قابل استفاده.

دانستان آخرین فداکاری در فوتbal ما همین رفت و برگشت ها در تیم سر راهی استان در لیگ دسته دوم است. بالاخره نفهمیدیم که این تیم صاحب دارد یا نه! اگر دارد چه کسی است؟ چگونه تیم را تصاحب کرند؟ چه دادند و چه گرفتند؟ اسم تیم را چه گذاشتند؟ فلسفه این رفت و برگشت ها چیست؟ چه کسی در مورد آنها تصمیم می گیرد؟ مگر تصمیم گیری در مورد تیم به صورت تعاضی است؟ آنها که می بزنند و می دوزند پشتشان به کجا سرگم است که چنین شتابان می روند و هر تصمیمی را به مورد اجراء می گذارند؟

چقدر در این فوتbal همه از هم تشکر می کنند، چقدر در این فوتbal همه قدردان و قدرشناص

قابل توجه هیات های ورزشی استان

**نشریه الکترونیکی ورزش اردبیل آماده انعکاس عملکرد ،
اطلاعیه ها و اخبار مربوط به فعالیت های انجام یافته به صورت
رایگان می باشد.**

**نشریه ورزش اردبیل در کنار خدمتگزاران صادق استان در
راستای توسعه ورزش و اطلاع رسانی به مردم قهرمان و
ورزشدوست استان می باشد .**

با ما در تماس باشید

شماره تماس ۰۹۱۴۴۵۲۹۵۳۷



وحدت و همدلی نیاز فوتبال اردبیل



حداقل در پنج سال اخیر گرفتارش نمودیم، انصاف نیست کسانی که تا دیروز و در حادترین شرایط فوتبال دم فرو بسته و حرفي نمی زندن و حتی گاهی وقت ها بر خلاف مسیر آب شنا کرده و بر خواسته اکثریت فوتبالی های اردبیل چشم می بستند و بی اعتنایی می نمودند، حالا در آستانه انتخابات و برگزاری مجمع طرفدار حل اختلاف شوند و نسبت به مطرح کردن آن در سطح وسیعی اقدام نمایند. اگر به فکر فوتبال بودیم و به سرنوشت علاقه مندان به آن اهمیت قائل بودیم باید خیلی بیشتر از این ها به فکر حل معضلی به نام اختلاف و چند دستگی می افتادیم و با وعده هایی که تحقق آن در حد صفر بود مردم و فوتبالی ها را امیدوار نمی کردیم و با اعلام حمایت از یکی از عاملین اختلاف بر بدینختی های فوتبال نمی افزویدیم.

اگر با برگزاری مجمع انتخاباتی و انتخاب افرادی صالح و کارنامه دار بتوان در ایجاد فضای وحدت و همدلی به نقطه ای مثبت و قابل قبول دست پیدا کرد می توان برای سر و سامان دادن به وضعیت فوتبال اردبیل امیدوار بود.

فوتبال ما کار انجام نشده و زمین مانده بسیار است. سزا نیست که بیش از این زمان هدر برود ، سرمایه ها نفله بشود و چرخ های فوتبال از حرکت باز داشته شود و بر سر راه آن با خودخواهی، مسؤولیت گریزی و .. مانع ایجاد شود.

باید بپذیریم که فوتبال ما، علی رغم توانایی های بالقوه در سال های اخیر عملا پیشرفت لازم را داشته است و این واقعیت تلخ

باید مورد قبول قرار بگیرد تا با برگزاری انتخابات و گشوده شدن فصلی نو در تاریخ فوتبال استان اختلافات و منیت هایی که پیش از هر چیز نشانه عقب ماندگی فکری و شخصیتی می باشد کتاب گذاشته شده و برای همیشه پرونده آن در فوتبال استان بسته شود.

بعد از به وجود آمدن آرامش در فضای فوتبال و شروع به کار مسؤولین جدیدی که با رای اعتماد مجمع در مصدر کار قرار خواهند گرفت باید همه دست به دست هم دهنده و با استفاده صحیح از امکانات ، مدیریت عالیانه زمان برای جبران عقب ماندگی ها به شکل انقلابی و جهادی تلاش بشود.

جز تعداد محدودی از دولتان و هم ولایتی ها دیگران را ندیدیم و فضا را برای کسانی که می توانستند مثمر ثمر باشند تنگ نمودیم، در مواردی که منافع ما ایجاب می کرد قانون و مقررات را زیر پا گذاشتمیم و در جاهایی که به سود ما بود سنگ قانون را به سینه زدیم و در نهایت آنچنان رفتار کردیم که فوتبال اردبیل را به بدترین وضعیت

فوتبال اردبیل برای موفقیت در عرصه های مختلف نیاز به همدلی و وحدت دارد. همدلی از اجزاء و عناصر یک مجموعه است و یکی از اصول همراهی و تلاش برای کسب موفقیت می باشد. در حاکم شدن وحدت و همدلی باید عمل شود و صرفا به گفته و حرف و سخن گفتن اکتفا نشود. امروز همه کسانی که در به وجود آمدن جو اختلاف و چند دستگی دخیل بوده و سهمی داشته اند وقتی پای سخن گفتن به میان آید کلمات بهتر، زیبا و فربینده بر زبان جاری کرده و همه را به رعایت یکدلی دعوت می نمایند و کار آنها کاملا با این امر که رطب خورده منع رطب می کند همخوانی داشته و دارد.

امیدواریم با برگزاری مجمع انتخاباتی هیات فوتبال و روی کار آمدن رئیس جدید در آینده، کمتر شاهد مسائل شببه انگیز و مشکلاتی که از آن بوقی «خودخواهی» و «منیت» به مشام برسد، باشیم . اختلافات و مسائل شخصی به فوتبال ما در پنج سال گذشته ضریب وارد کرده و بخش عمدی ای از عمر و سرمایه و ارزی را به هدر داده و صرف مسائل حاشیه ای کرده است.

آنها که در سال های اخیر با گرفتار شدن در دام عناد و خودمحوری، فوتبال استان را گرفتار اما و اگر ها کرددند و آن را به سوی فنا و نابودی رهمنون نمودند باید در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند. کسانی که قرار است مسؤولیتی را در آینده در این رشته ورزشی بپذیرند باید نسبت به ریشه کنی حاشیه های محرب اقدام نمایند و خود تبدیل به یک دردسر ساز و حاشیه آفرین نشوند و به حواسی و مشکلات قبلی نیفرازند. روزها و ماه ها و سال ها می گذرند و به قولی چرخ روزگار می چرخد و معطل کسی نمی ماند . در